

اشکال امام بر مرحوم بروجردی:

مرحوم بروجردی در جایی که نهی به تسبب تعلق گرفته باشد، قائل به فساد معامله شده اند. امام ابتداءً با یک نقض به این مطلب پاسخ می دهند و بعد می نویسند:

اولاً هیچ ملازمه ای بین صحت و حرمت تکلیفی تسبب نیست

و ثانیاً اگر شارع می خواست از اثرگذاری این سبب نهی کند، باید از این معاملات ردع می کرد. و صرف اینکه شارع نهی کرده باشد، باعث نمی شود که ادله امضاء اسباب تخصیص بخورد یا مقید شود.

البته اگر شارع بگوید «این سبب حرام است چون اثر آن مبعوض است»، می شد فساد را از آن فهمید.

«و ما قيل:- من أنه مع مبعوضیة حصول الأثر بذاك السبب لا يمكن إمضاء المعاملة، و هو

مساوق للفساد- فيه منع، كالحیازة بالآلة الغصیبة، تأمل.

فأیة منافاة بین تحقق الوضع و الحرمة التکلیفیة؟! مضافا إلى أن المعاملات عقلائیة، لا بدّ فیها

من الردع، و مجرد ذلك لا يكون رادعا، كما لا يكون مخصّصا أو مقیدا لما دلّ علی تنفیذ

الأسباب. نعم لو تعلّق النهی بالمعاملة لأجل مبعوضیة ترتیب الآثار المطلوبة علیها لفهم منه

الفساد عرفا، لأنّ حرمة ترتیب الأثر علی معاملة مساوقة لفسادها عرفا.»^۱

ما می گوئیم:

۱. شاید وجه تأمل امام آن است که آنچه مورد حرمت است و نهی دارد غضب است و نهی از عنوان حیازت

با آلت غضبیه وارد نشده است.

۲. اشاره حضرت امام به این سخن مرحوم بروجردی است که امام خود آن را چنین تقریر کرده اند:

«ما أفاد- من عدم دلالة النهی علی الفساد فی القسم الثالث- لیس علی ما ینبغی لإمكان دعوی

دلالتہ علیہ فیہ؛ لأنّ التسبب بمعاملة إلى حصول أثرها إذا كان مبعوضاً، لا يمكن أن تكون

المعاملة ممضاة من الشارع، و عدم إمضائها يدلّ علی عدم ترتب الأثر علیها عنده، و هذا معنی

الفساد.»^۲

۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۶۲

۲. لمحات الاصول، ص ۲۵۶



جمع بندی نهی در معاملات

۱. نهی های شرعی که بر معاملات وارد می شوند، به انحاء مختلف قابل تصویر هستند:

(الف) نهی ارشادی به فساد

(ب) نهی غیری از مانع (به اینکه شارع از یک جزء معامله به جهت اینکه مانع است، نهی کرده است)

(ج) نهی غیری (حاصل از امر به شیء که مقتضی نهی از ضد خاص است و لذا معامله به جهت اینکه ضد خاص است منهی عنه شده است)

(د) نهی از تلفظ به عقد (سبب)

(ه) نهی از تملیک (مسبب اول)

(و) نهی از ملکیت (مسبب دوم)

(ز) نهی از تصرف در ثمن و مثن

(ح) نهی از تسبب

(ط) نهی از معامله به جهت اینکه شارع آثار آن را نمی خواهد

۲. اصل در نهی، مولویت است و لذا اگر احراز نشد که نهی در جایی ارشادی است، نهی را حمل بر مولویت می کنیم.

۳. اصل در نهی نفسی بودن است و لذا اگر احراز غیری بودن نشد، حمل بر نفسی بودن می شود.

۴. فروض (الف) و (ب)، اقتضای فساد دارند.

۵. مراد مرحوم نایینی از نهی غیری، فرض (ب) است و ایشان آن را مقتضی فساد می داند ولی مراد امام از نهی غیری، فرض (ج) است و ایشان آن را مقتضی فساد نمی دانند و هردو سخن صحیح است

۶. غیر از فرض (ط)، که امام آن را مقتضی فساد می دانند، سایر فروض مقتضی فساد نیستند.

۷. حضرت امام درباره این قسم می نویسند که اگر احراز نکنیم که نهی به صورت های دیگر به معامله تعلق گرفته است، اصل آن است که «نهی از معامله، اینگونه است و از این قسم است» و می نویسند:

«فإذا ورد «لا تبع ما ليس عندك» وأحرزت حرمة النهي، يفهم منه أنها متعلقة بالبيع باعتبار

ترتيب الآثار، و المبعوض هو العمل على طبقه، كسائر معاملاته، و لا ينقدح في ذهن العرف

حرمة التلفظ بالألفاظ الخاصة، لأنها آلات لا ينظر إليها، و لا حرمة المسبب الذي هو أمر

اعتباري لا يكون مبعوضا نوعا، و لا التسبب بها إلى المسبب، بل ما ينقدح في أذهانهم هو



الزجر عن المعاملة على نحو سائر المعاملات من ترتيب الأثر عليها، فالنهي متوجّه إلى المعاملة باعتبار ترتيب الآثار، و هو مساوق للفساد»^١

٨. اما درباره دو روایتی که گفته است «نکاح فاسد نیست چون عصیان سید شده است و نه عصیان خدا و ...» اشکالی مطرح است که:

«و ربّما يستشكل بأنّ عصیان السیّد عصیان الله، لحرمة مخالفته شرعا، فكيف قال: (إنّما عصی سیّده و لم یعص الله)؟»^٢

حضرت امام در پاسخ می فرمایند:

« عدم كون النكاح عصیان الله تعالى فلاّنّ ما حرّم الله تعالى على العبد هو عنوان مخالفته لمولاه، و متعلّق النهی هذا العنوان، و لا يكاد يتجاوز عنه إلى عنوان آخر كالنكاح و الطلاق. فالتزويج الخارجیّ مصداق لعنوان محرّم هو مخالفة المولى، و عنوان غير محرّم بل محلّل هو النكاح، فالتزويج بعنوانه حلال ليس بمحرّم، و لا تسرى حرمة مخالفة المولى إلى ذلك العنوان فى وعاء من الأوعية، و إنّما يتّحد مصداق النكاح مع مصداق المخالفة فى الخارج الذى لم يكن

ظرف تعلّق الحكم، كما مرّ الكلام فيه فى باب الاجتماع و فى النذر المتعلّق بالنافلة.»^٣



١. مناهج الوصول، ج ٢، ص ١٦٣

٢. همان، ص ١٦٥

٣. همان